



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون
 موضوع جزئی: مجعول در باب امارات - مقام اثبات - دلائل اقوال پنج گانه - ادله احتمال
 سوم و بررسی آن - ادله احتمال چهارم - شرح رساله حقوق (آثار اخروی حرام خواری)
 سال پانزدهم
 تاریخ: ۱۱ بهمن ۱۴۰۲
 مصادف با: ۱۹ رجب ۱۴۴۵
 جلسه: ۷۵

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

در بحث از ادله این مسئله که مجعول در باب امارات چیست، عرض کردیم صرف نظر از اشکال برخی از احتمالات در مقام ثبوت بعضی از این اقوال و احتمالات به حسب مقام اثبات نیز دچار مشکل هستند. احتمال اول یا قول محقق خراسانی و همچنین احتمال دوم که محقق نایینی آن را قبول کرده است ملاحظه فرمودید از نظر دلیل گرفتار نقص هستند. البته مشکل دلیل محقق خراسانی به نوعی از لا به لای بررسی روایات قابل استفاده است.

ادله احتمال سوم (محقق اصفهانی)

احتمال سوم احتمالی است که محقق اصفهانی آن را پذیرفته و آن اینکه مجعول در باب امارات حجیت به معنای لغوی و عرفی آن یعنی ما یصح الاحتجاج به از طرف شارع جعل شده است. ایشان دو دلیل نیز برای این احتمال بیان کردند. دلیل اول اینکه این معنا و مفهوم لغوی بدون دلیل و بدون جهت نمی تواند کنار گذاشته شود و وقتی امکان این هست که ما همین معنا را مجعول بدانیم وجهی ندارد که سراغ احتمال دیگر برویم. به علاوه اینکه ایشان با ذکر برخی از مقدمات نتیجه گرفتند که این معنا در باب حجیت و مجعول در امارات متعین است. ما غیر از این راه دیگری نداریم.

بررسی ادله احتمال سوم

ما اشکالات این ادله را قبلاً گفتیم. به مناسبت که در مقام ثبوت بحث از این احتمال مطرح شد همانجا به نقل از محقق اصفهانی هم ادله آن را ذکر کردیم و هم اشکالات آن دو دلیل را بیان کردیم. بنابراین ادله احتمال سوم نیز کنار می رود.

ادله احتمال چهارم (شیخ انصاری)

احتمال چهارم احتمالی است که شیخ انصاری به آن ملتزم شده و آن این است که در باب امارات آنچه که توسط شارع جعل شده، مودی است. به عبارت دیگر شارع با اعتبار بخشیدن به امارات جعل مودی کرده است. توضیح دادیم معنای جعل مودی را. این احتمال را در مقام ثبوت ما ممکن دانستیم و گفتیم محذور ثبوتی ندارد. اما دلیل بر آن چیست؟ چون بنای ما بر اختصار است خیلی خلاصه عرض می کنیم و برخی از بزرگان این قول را قبول کردند و دلیلی برای آن بیان کردند. این یک امر قطعی و مسلم است در میان همه علماء که اگر اماره ای مثل خبر ثقه بر یک حکمی قائم شد، انتساب آن به خداوند تبارک و تعالی صحیح است مثلاً خبر زراره قائم شد بر وجوب نماز جمعه، ما می توانیم بگوییم وجوب نماز جمعه حکم خداست، یعنی استناد دهیم این حکم شرعی را به خداوند تبارک و تعالی. این راه همه گفتند و قبول دارند.

همچنین اگر خبر زراره قائم شده بر وجوب نماز جمعه ما می‌توانیم نماز جمعه را به قصد امر یعنی قصد قربت اتیان کنیم، زیرا قصد قربت یعنی قصد امتثال امر. مثلاً من نمی‌دانم که خدا امر به نماز جمعه کرده است یا خیر؟ نه از پیامبر(ص) شنیدم و نه از امام معصوم، اما یک ثقه‌ای برای من خبر آورده است که امام صادق(ع) فرمود نماز جمعه واجب است، همین برای من کافی است که نماز جمعه را به قصد امر الهی اتیان کنم. یعنی اگر کسی گفت چرا نماز جمعه می‌خوانی می‌گویم چون خدا دستور داده است، اگر پرسید از کجا می‌گویی که خدا دستور داده است می‌گویم یک ثقه‌ای از امام صادق(ع) نقل کرد.

پس همه قبول دارند که قیام اماره بر یک حکمی دو فایده دارد: صحت نسبت دادن آن حکم و مودای اماره به خداوند. دیگر اینکه ما می‌توانیم عملمان را مسند کنیم به امر خدا. یکی صحهٔ نسبة المودی الی الله و دیگری صحهٔ الاتیان المودی بداعی الامر الهی. این یک امر مسلمی است و همه علماء این را قبول دارند که خاصیت قیام اماره بر یک مطلب و حکم شرعی این است.

ایشان می‌گویند این ویژگی تنها در صورتی محقق می‌شود که ما بگوییم امارات جعل مودی می‌کنند. شارع با قیام اماره و اعتبار بخشیدن به آن جعل مودی می‌کند. لکن در صورت پذیرش قول محقق خراسانی و در صورت پذیرش قول محقق نایینی حاصل نمی‌شود. قول محقق اصفهانی هم مبنی بر اینکه مجعول در باب امارات منجزیت و معذرت است نمی‌تواند واجد این دو اثر باشد. چرا حجیت به معنای لغوی و عرفی نمی‌تواند این ویژگی و اثر را داشته باشد؟ چون طبق نظر ایشان اصلاً حکمی ثابت نمی‌شود تا بخواهیم آن را به خدا نسبت دهیم یا آن را به داعی امر الهی اتیان کنیم. وقتی می‌خواهیم یک حکمی را به خدا نسبت دهیم، بالاخره باید اول آن حکم ثابت شود اگر نباشد که نمی‌توانیم آن را به خدا نسبت دهیم. اگر حکمی نباشد ما نمی‌توانیم آن را به داعی امر الهی اتیان کنیم و بنابر این احتمال مجعول به گونه‌ای است که گویا هیچ حکمی ثابت نشده است. بنابر قول محقق خراسانی هم مجعول عبارت است از معذرت و منجزیت. معذرت و منجزیت هم که حکم شرعی نیست که آن را نسبت دهیم به خدا. بنابر قول محقق اصفهانی نیز آنچه که جعل می‌شود ما یصح الاحتجاج به است، یعنی می‌توان با آن با خدا احتجاج کرد، پس حکمی بیان نشده است. به این ترتیب این دو قول را نفی می‌کنند. می‌ماند قول محقق نایینی. محقق نایینی معتقد است مجعول در باب امارات طریقی است، یا تتمیم طریقی است. ببینیم آیا صحهٔ نسبة المودی الی الله و صحهٔ الاتیان بها بداعی الامر، در حالی که ما مجعول را طریقی بدانیم وجود دارد یا خیر؟ ایشان می‌فرمایند این در آنجا نیز وجود ندارد زیرا طبق نظر محقق نایینی آنچه که جعل می‌شود عبارت است از طریقی است. و این حکم نیست بلکه وصول الی الحکم است و وصول الی الحکم غیر از خود حکم است. توضیح ذلک:

منظور از جعل طریقی اعتبار وصول حکم است، طریقی الی الواقع؛ یعنی می‌گوید اگر از این راه بروی به واقع می‌رسی؛ پس این راه بالاخره ما را به حکم می‌رساند و این کافی است. وقتی ما از این راه به حکم و واقع برسیم، آن وقت حکم را به خدا می‌توانیم نسبت دهیم و آن حکم را به قصد الهی اتیان کنیم. پس اینجا یصح نسبت المودی الی الله و یصح الاتیان بها بداعی الامر.

ایشان می‌گویند خیر؛ اینجا حکم مجعول نیست، اماره برای شما حکم را جعل نمی‌کند بلکه الوصول الی الحکم را اعتبار می‌کند. بلکه وصول الی الحکم جعل می‌شود و لازمه عقلی آن این است که این حکم قابل استناد به خدا باشد. پس این نیز فایده‌ای ندارد.^۱

پس نتیجه این می‌شود که علماء فائلمند که قیام اماره بر یک امری دارای دو خصوصیت است: ۱. صحهٔ النسبه الی الله؛ ۲. صحهٔ الاتیان بداعی الامر و این دو خصوصیت تنها در فرض قائل شدن به اینکه مجعول در امارات مودی است محقق می‌شود.

^۱ منتهی الاصول، ج ۴، ص ۱۸۹.

ملاحظه کردید که نه قول به منجزیت و معذرت و نه قول به جعل طریقت و نه قول به حجیت به آن معنا هیچکدام نمی‌تواند این ویژگی‌ها را داشته باشد.

این محصل بیانی است که بعضی از بزرگان در تقویت احتمال چهارم بیان کردند، کأنه دلیلی است بر قول شیخ انصاری و اینکه شارع با اعتبار اماره جعل موادی می‌کند.

آیا این بیان تمام است و بعد احتمال پنجم چه می‌شود.

شرح رساله حقوق

راجع به آثار حرام خواری که حضرت به شدت از آن نهی کردند چند جلسه بحث کردیم. عرض کردیم امام یک حق الزامی شکم را که بعد سلبی دارد اجتناب از حرام خواری قرار داده است چه کم و چه زیاد. گفتیم حرام خواری یک سری آثار وضعی دارد یعنی در همین دنیا اثراتی دارد. چه مادی و چه معنوی؛ حدودا یازده اثر را ما ذکر کردیم. اما یک سری آثار اخروی نیز دارد.

آثار اخروی حرام خوری

چند اثر اخروی را از مجموع آیات و روایات می‌توانیم استفاده کنیم.

۱. منع از ورود به بهشت

ممنوعیت از جنت، یکی از آثار حرام خواری است. روایتی از پیامبر(ص) وارد شده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَرَّمَ الْجَنَّةَ جَسَدًا غُذِيَ بِحَرَامٍ»؛ رسول خدا (ص) می‌فرماید: خدای عز و جل بهشت را بر آن بدنی که با مال حرام تغذیه شده حرام کرده است. نمی‌گوید تمام تغذیه او از حرام بوده، غذی بحرام، یعنی به نحو موجهه جزئیه نیز این را ناروا می‌داند و می‌گوید مانع ورود در بهشت می‌شود. واقعا این قدر این مسائل اهمیت دارد ولی در بین ما مسلمانان و شیعیان واقعا اهمیاتی که به برخی از امور حرام است آیا نسبت به مال حرام نیز می‌باشد؟ آیا جای اصل و فرع در جامعه ما عوض نشده است. آیا اهتمام ما به ترک بعضی از محرمات و حساسیتی که نسبت به فعل برخی از محرمات داریم در مقایسه با این محرماتی که این همه شدید و غلیظ از آثارش گفته شده است بجااست؟ یعنی گاهی می‌بینیم فرع و اصل جایشان عوض شده است. نگاه پیامبر(ص) و ائمه(علیهم السلام) به سمت دیگری است اما ما اینها را جابجا و بالا و پایین می‌کنیم.

۲. نزول عذاب الهی

حرام خواری موجب نزول عذاب الهی است، در دنیا به یک شکل و در آخرت به شکل دیگر. ببینید خود محرومیت از بهشت بزرگترین عذاب است اما علاوه بر این عذاب جهنم در آخرت شامل این گروه می‌شود. پیامبر(ص) می‌فرماید روز قیامت جماعتی می‌آیند که حسنات آنها به اندازه کوه ها بوده است ولی خداوند هیچ ارزشی برای آن حسنات قائل نیست و دستور می‌دهد آنها را به جهنم ببرند. سلمان خطاب به پیامبر عرض کرد یا رسول الله این گروه را برای ما توصیف کن چه کسانی هستند که حسنات به آن بزرگی دارند ولی خداوند هیچ ارزش و اعتباری برای حسنات آنها قائل نیست. حضرت فرمود اینها نماز به پا می‌داشتند و روزه می‌گرفتند ولی وقتی مال حرامی به آنها عرضه می‌شد به سرعت آن را می‌ربودند. عجیب است، خودشان دنبال مال حرام نبودند، ولی وقتی به آنها عرضه می‌شد روی هوا می‌زدند. این یعنی آن همه روزه و نماز و عباداتها و حج و عمره و زیارت رفتن ها ... از یک طرف به سرعت مال حرام را می‌ربایند ولی از آن طرف نماز و روزه و حج و زیارتشان ترک نمی‌شود. این ها عذاب الهی برایشان نازل می‌شود.

۳. مشمول لعنت فرشتگان

این البته در دنیا هست و در آخرت هم وجود دارد. حرام خواری موجب لعنت تمام فرشتگان زمین و آسمان است. عجیب است، یک لقمه حرام باعث می‌شود هرچه ملک در آسمان و زمین است او را لعن کنند. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «إِذَا وَقَعَتِ اللَّقْمَةُ مِنْ حَرَامٍ فِي جَوْفِ الْعَبْدِ لَعَنَهُ كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»؛ وقتی یک لقمه در شکم عبد قرار می‌گیرد تمام فرشتگان زمین و آسمان او را لعن می‌کنند. حال شما حساب کنید یک کسی نه یک لقمه، لقمه‌ها، نه یک وعده، وعده‌ها، نه یک روز، روزها، هفته‌ها، ماه‌ها، سال‌ها، زندگیش با حرام باشد. حرام را همیشه در دزدی و ربا و رشوه نباید دید، حرام خواری مصادیق فراوانی دارد، اشاره کردیم به بعضی از مصادیق حرام خواری منتهی اینها مراتب دارد، غلیظ و رقیق دارد. گاهی فکر می‌کنم ما طلبه هستیم و شهریه امام زمان را می‌گیریم بالاخره کانه قراری گذاشتند که طلبه‌ای که تمام وقت می‌خواهد درس بخواند این مقدار حقوق بگیرد؛ آیا ما به اندازه‌ای که قرارداد با ما بستند و حقوق می‌دهند آیا به این اندازه کار می‌کنیم یا کم کاری می‌کنیم. درست است که این مبلغ چیزی نیست؛ ممکن است شما بگویید با این شهریه‌ای که به طلبه می‌دهند مگر چقدر کار باید کرد؟ بالاخره این روشن است، کسی که اول می‌خواهد طلبه شود این مقدار دریافتی دارد، حال ما واقعا نه تمام وقت بلکه فی الجمله کار علمی می‌کنیم؟ درس می‌خوانیم؟ مطالعه می‌کنیم؟ اگر کم کاری کنیم این می‌شود همان مال حرام و لقمه حرام. حقوق و شهریه ای که یک طلبه می‌گیرد اگر درس نخواند این حرام خواری است. منتهی این غیر مستقیم است.

۴. محرومیت از شفاعت

امام علی (علیه السلام) به امام حسن (ع) می‌فرماید: به خدا سوگند، به خدا سوگند، کسی که ذره‌ای مال حرام بخورد در قیامت از رسول خدا دور می‌افتد و از حوض کوثر نمی‌نوشد و مشمول شفاعت آن حضرت واقع نمی‌شود.^۱ حرام خوار از شفاعت محروم می‌شود.

راوی می‌گوید من محضر امام محمد باقر (ع) شرفیاب بودم یک مردی به نام ابو ایمن به محضر امام باقر رسید و عرض کرد یا اباجعفر مردم گرفتار غرور شدند و فکر می‌کنند برای امت پیامبر شفاعت او کافی است. یعنی همان چیزی که در ذهن خیلی‌ها وجود دارد که بالاخره اهل بیت شفیع ما می‌شوند رسول خدا شفاعت ما را می‌کنند، گاهی برخی منبری‌ها نیز به این نگاه دامن می‌زنند و مردم را جری می‌کنند بر اینکه به اعمال ناشایستشان ادامه دهند به امید اینکه بالاخره شفاعت ائمه و رسول خدا شاملشان شود. حضرت به شدت ناراحت شد به گونه‌ای که آثار عصبانیت و غضب در صورت ایشان هویدا شد و بعد فرمود وای بر تو ای ابا ایمن، چطور این مردم فکر می‌کنند اگر مرتکب هر منکری شوند و خواسته‌ها و امیالشان را تعقیب کنند و هر لقمه حرامی را بخورند و به اموال و نوامیس دیگر تعرض کنند باز می‌توانند چشم به شفاعت پیامبر داشته باشند؟

این معلوم است که درست نقطه مقابل نگاه اهل بیت است. بعضی از آقایان منبری‌ها متأسفانه به این نگاه دامن می‌زنند. شما نیز هر جا که می‌روید واقعا مراقب باشید، هم باید مردم را نسبت به این امور امیدوار کرد و هم انداز دارد، هم تبشیر و هم انداز؛ اگر بگوییم غصه نخورید ولایت حضرت علی را دارید کافی است، و علی نمی‌گذارد که شیعیانش عذاب شوند؛ خدای نکرده اگر از این حرف‌ها کسی بیفتد در مسیر گناه به امید اینکه مشمول شفاعت واقع می‌شود مسئولش ما هستیم. الان متأسفانه خیلی‌ها این را

^۱ مکارم الاخلاق، ص ۱۵۰.

^۲ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۳۵.

می‌گویند. اصلاً مگر می‌شود شریعت و اهل بیت که آمدند انسان بسازند به آدمی بگویند برو هر کاری که می‌خواهی بکن ما یک روز دست تو را می‌گیریم. اصلاً این به شدت غلط معنا شده است و این باور غلط در جامعه ما شکل گرفته و همین باعث خیلی از جسارتها و تجری‌ها شده است.

خدا انشاء الله ما را از این انحراف حفظ بفرماید.

«والحمد لله رب العالمین»